



شهید تقی پور متولد ۲۵ آبان ۱۳۶۱ در گرگان بود. با مهاجرت خانواده به مشهد در سال ۱۳۶۸ تحصیلاتش را در مشهد ادامه می‌دهد. حجت‌الاسلام محمود تقی‌پور اربعین سال ۱۳۹۶ بر اثر انفجار تله انفجاری در دیرالزور زخمی می‌شود و در راه بیمارستان در حالی که لبخند به لب داشت و شهادتین می‌گفت به شهادت می‌رسد.



مادر این شهید مدافع حرم می‌گوید: با اینکه وضع مالی ما خوب بود ولی او کمتر کمک مالی از ما می‌گرفت و معتقد بود، من به‌عنوان سرباز امام زمان (عج) همیشه دست یاری به سمت ایشان دراز می‌کنم و ایشان برکت به مال و زندگی‌ام می‌دهد

برکت به مال و زندگی‌ام می‌دهد. معمولاً از شرایطش به ما نمی‌گفت و ما از اطرافیان درباره او می‌شنیدیم. مثلاً مسئول اردوهای جهادی که او در آنها شرکت می‌کرد برای ما تعریف کرد که او همیشه سخت‌ترین مسئولیت‌ها و سخت‌ترین شرایط را قبول می‌کرد و معتقد بود که این سختی‌ها برای خودسازی و رسیدن به آرزوی شهادتش مؤثر است.»

وی با بیان اینکه همه هم‌زمان دوست داشتند با محمود باشند و از ویژگی‌های شخصیتی او بهره ببرند می‌افزاید: «هم‌زمانش می‌گویند که او لباسش را آویزان می‌کرد و به هم‌زمانش می‌گفت هرکسی پول لازم دارد بدون اینکه بگوید از داخل جیب لباسم بردارد و هر موقع توانست برگرداند.»

وقتی دعای مادر برای شهادت فرزند مستجاب می‌شود

مادر شهید از تابع امر رهبری بودن فرزندش می‌گوید: «او همیشه مطیع دستورات رهبر معظم انقلاب بود و سخنرانی‌ها و گفته‌های ایشان را تجزیه و تحلیل می‌کرد و خود را مقید به انجام دستورات ایشان می‌دانست. محمود بیش از یک ماه برای ایام اربعین ۱۳۹۵ به سامرا رفت و در یکی از پرخطرترین مناطق به زائران خدمت می‌کرد. سال بعد زمانی که قصد زیارت کربلا را داشتم از او درخواست همراهی کردم. در حالی که در سوریه بود گفت: من الان در مأموریت هستم و نمی‌توانم بیایم. اما از شما می‌خواهم دعا کنید روز اربعین شهید شوم. من هم که نمی‌دانستم او در سوریه است شب اربعین ۱۳۹۶ برای شهادت او دعا کردم که در نهایت مستجاب شد.»

مادر شهید تقی‌پور ادامه می‌دهد: «او در دفتر خاطرات خود نوشته بود که من در روز اربعین شهید می‌شوم و همچنین در وصیتنامه اش آمده است: نگران نباشید! شهید به آرزوی قلبی‌اش رسیده و شما هم خوشحال باشید که من به آرزویم رسیدم.»

این طور یاد می‌کند: «محمود به مستضعفان خیلی کمک می‌کرد. مثلاً کرایه خانه آنها را می‌داد یا برای آنها وسایل خانه می‌خرید. یکی از کارهای خیر او، کاشت درخت زیتون در جاده تهران قم بود.»

اعزام به سوریه

حجت‌الاسلام محمود تقی‌پور حدود ۳ سال به‌صورت داوطلبانه به پادگان‌ها و اماکن نظامی می‌رود و تبلیغ دین می‌کند و در نهایت سال ۱۳۹۴ از طریق تیپ امام صادق (ع) فاطمیون قم به سوریه اعزام می‌شود. مرتبه اول به‌عنوان مبلغ در سوریه حضور پیدا می‌کند اما دفعه دوم با اصرار خودش به‌عنوان نظامی به مناطق عملیاتی اعزام می‌شود. به گفته دوستانش او همیشه دعا می‌کرد که روز اربعین به شهادت برسد و ذکر یا زینب (س) و یا زهرا (س) همیشه بر لبانش جاری بود.

پدر شهید تقی‌پور ادامه می‌دهد: «فقط همسر و فرزندان از اعزام او به سوریه باخبر بودند و وقتی با اصرار همسرش مبنی بر اتمام تحصیل و نوشتن رساله دکترا مواجه شد، گفت: می‌خواهم در خدمت به اسلام و حضرت ولی‌عصر (عج) شهید شوم. او به خاطر تسلطش به زبان‌های انگلیسی، فرانسوی و عربی، در جنگ سوریه فارسی صحبت نمی‌کرد تا شناخته نشود.»

شهید اربعینی

حجت‌الاسلام محمود تقی‌پور اربعین سال ۱۳۹۶ بر اثر انفجار تله انفجاری در دیرالزور زخمی می‌شود و در راه بیمارستان در حالی که لبخند به لب داشت و شهادتین می‌گفت به شهادت می‌رسد.

«مرضیه میرزایی» مادر این شهید مدافع حرم نیز از قناعت و ادب فرزندش این‌گونه می‌گوید: «با اینکه وضع مالی ما خوب بود ولی او کمتر کمک مالی از ما می‌گرفت و معتقد بود: من به‌عنوان سرباز امام زمان (عج) همیشه دست یاری به سمت ایشان دراز می‌کنم و ایشان

شهادت حسین گونه

- وصیت: امت مسلمان! شما هم خدای ناکرده همانند مردم کوفه نباشید که در لحظات خطر، امام و رهبر و راهنمای خویش را تنها گذاشتند و از ترس از دست دادن جان و منافعشان، تن به ظلم دادند! ما در دعاها ایمان می‌گفتیم که خدایا! ای کاش ما در زمان امام حسین (ع) زنده بودیم و او را یاری می‌کردیم. خدا حاجت‌مان را بر آورده کرد و اکنون بهترین زمان است که بتوانیم به حرفمان در یاری این فرزند خلف حسین (ع) عمل نماییم.
- نکته: شهید مفقودالاثری که همیشه دعایش این بود خدایا نام من حسین است و از تو می‌خواهم شهادت حسین گونه را نصیبم فرمایی.

